

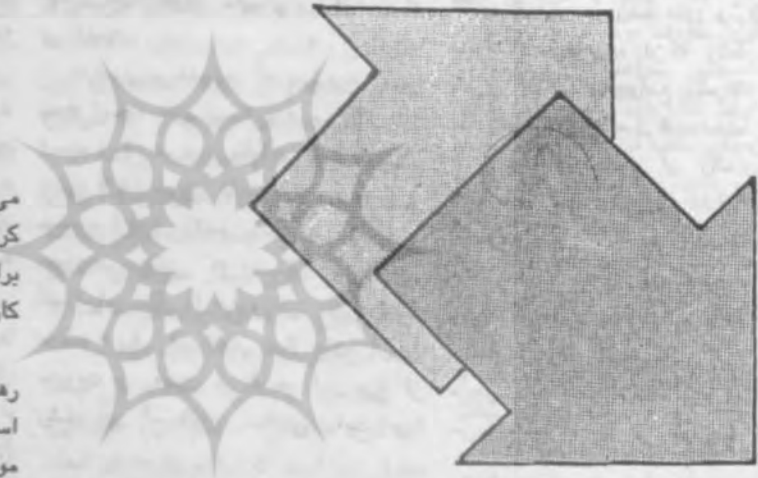
نگاه حوزه: مسائل مربوط به برنامه ریزی و مدیریت حوزه، گسترده و پیچیده و ظریف و تازه است، نه با یک دید ذهن می توان به این میدان قراخ رو آورد و نه بایک سخن، می توان حرف آخر را زد. از این روی، این نشریه خواهد کوشید از دیدگاههای گونه گون و جدید و آرای دانشوران، فضلا و دانش پژوهان را به این اقتراح کاربردی و اساسی جلب کند و ره آورد آن را در اختیار مسؤولان و برنامه ریزان حوزه قرار دهد. باین امید، که این خدمت مقبول افتد و گرهی از کار بکشد.

در این شماره، مقاله حاضر روزنه ای به این بحث است. باسپاس از نویسنده، فاضل این نگاشته، استمرار این حرکت را از سوی دیگر دلسوزان این نهاد مقدس آرزو مندیم.

« قسمت اول »

برنامه ریزی و مدیریت در حوزه

علی اکبر نوایی



می توان علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن، رهبری و کنترل فعالیت های دستجمعی برای نیل به هدف های مطلوب با حد اکثر کارایی تعریف کرد. ۲۰

برابر این تعریف، مدیریت، خود، نوعی رهبری در یک تشکیلات منسجم و منظم است که براساس آن بتوان نیروهای موجود بالقوه را به سمت رشد و در جهت به فعلیت رساندن آنها سامان داد.

بنابراینچه که یاد شد، مدیریت حوزوی عبارت است از وجود تشکیلاتی منسجم با فلسفه و آرمانی خوش آیند در جهت رشد نیروهای موجود و تلاشی پی گیر در جهت اداره سازمان یافته تشکیلات حوزه های علمیه.

اگر به فلسفه وجود حوزه ها دقت کنیم خواهیم، یافت که رسالت و فلسفه وجود حوزه، تبیین و شناساندن مفاهیم و ارزشها و معرفی اسلام و فرهنگ غنی آن به ذهنیت جامعه است که دراین دیدگاه، مدیریت حوزوی همان هدایت کردن و هماهنگ ساختن نیروهای حوزوی برای دستیابی به نتیجه ها مورد انتظار از حوزه ها است.

بایستگی وجود مدیریت صالح در حوزه

دراین نکته تردیدی نمی توان داشت که

مفهوم مدیریت حوزه ای

جهت تبیین مفهوم مدیریت حوزوی، بایستی ابتدا مفهوم مدیریت را روشن سازیم. درباره مدیریت تعریف های گوناگون است که البته گوناگون بودن تعریفها ریشه در گونه های مدیریت دارد، مثلاً مدیریت سازمانی، بازرگانی، اداری، دولتی و... که هر کدام برخورد تعریفی را می گنجاند. دراین خصوص، تعریفی جامع را ارائه می دهیم تا در پرتو آن مدیریت حوزوی دانسته شود.

یکی از صاحب نظران می نویسد:

«مدیریت عبارت است از هماهنگ ساختن منابع انسانی و مادی برای نیل به هدف»

در ادامه می نویسد:

«اما اگر بخواهیم چنانکه معمول است، مدیریت را بر حسب عناصر تشکیل دهنده آن یا وظایف مدیر تعریف کنیم، مدیریت را

پیشگفتار

حوزه علمیه مجموعه ای پرشکوه است که از رهگذر آن گنجینه های معنوی عظیمی در اختیار مسلمانان نهاده شده و توانسته در برابر امواج سهمگین و توطئه های فرهنگی و دسیسه های شب پرستان سدی استوار در بلندای تاریخ باشد. گامهای برداشته شده کفایت کار را نکرده و به تناسب طرح موضوع و نیازمندیها و شبهه های جدید و نیز به تناسب حجم توطئه ها در برابر کلیت اندیشه اسلامی، حوزه به عنوان پیشگام حرکت های اسلامی می بایست از درون تحولی ساختاری و بنیادی بیابد و با برنامه ریزی و مدیریتی قوی و توانمند بتواند پاسخ گوی آرمانها و هدف های بلند نظام مقدس اسلامی باشد.





حوزه يك مجموعه بسيار بزرگ و مورد توجه و مؤثر است و در اين مجموعه، مديريت شكل يافته و كاردان و رشد دهنده‌اي وجود ندارد و تاكنون حوزه، به شكل مديريتهايي سليقه‌اي اداره مي‌شده كه خود منشأ كاستيهاي فراوان شده است كه با توجه به باز شدن افقهاي جديد، خواستهاي جديد از طرف نسل تشنه امروز، معيارها و ضوابط و تشكيلات نو و هماهنگ با شرايط زماني نبوده در حوزه‌ها احساس مي‌گردد و بي‌گمان با بافت كتوني نمي‌توان نيازهاي زمان را برآورده ساخت و روشن است كه سازوار بودن حوزه‌ها بر شرايط زماني بدون مديريتي جامع و صالح امكان پذير نيست، و در سايه و پرتو مديريت صالح است كه مي‌توان به نيازها و خواست زمان پاسخ گفت كه البته عنصر مديريت در همه ميدانها نقش آفرين است.

«امروز مساله مديريت، چه مديريت بازرگاني چه مديريت صنعتي، چه مديريت اداري چه مديريت روحاني فوق‌العاده مورد توجه عصر ماست. عصر ما را مي‌گويند عصر مديريت، يعني عصري كه بشر توجه پيدا کرده است كه انسانها بايد در كارهايي كه به آنان واگذار مي‌شود، رشد داشته باشند بايد برويم كسب و تحصيل نماييم.»^۲

«امروز سخن گفتن از لزوم اصل مديريت، شايد سخني بسيار بديهي باشد، چرا كه «مديريت» و سرپرستي يكي از بديهي‌ترين اصول يك اجتماع كوچك و حتي بي‌مقدار است، چه رسد به اجتماعات و سازمانهاي عظيم فكري و فرهنگي و ما به عنوان حاميان محرومان و مستضعفان و يردوش دارندگان رسالت اسلامي و به عنوان روحانيت و حوزه‌هاي علمي، بايد در چنين ميدانهائي به مصاف با دشمنان خويش برخيزيم و ما به عنوان اعلام كندگان جامعيت اسلامي، بايد در چنين شرايطي كوي به يقما رفته مجد و شكوه علمي و فرهنگي دانش خويش را بازپس گيريم و اين ممكن نيست، مگر آن كه سلاحمان را همانند سلاحمان برتر و كارا تر و برآتر سازيم.»^۳

سويهاي بايستگي

به طور معمول هنگامي كه از بايستگي

يك پديده گفت‌وگو مي‌كنيم و از ضرورت آن سخن به ميان مي‌آوريم، بايد جهتها و دليلهائي آن نيز روشن باشد، تا كساني كه به آن توجه ندارند، به ضرورت آن آگاهي يابند. بايستگي مديريت نرحوزه از اين قاعده مستثني نيست، به اين خاطر ملاكهاي ضرورت را در زمينه مديريت حوزه توضيح مي‌دهيم.

۱. ضرورت رشد.

هر نهاد و سازمان و تشكيلاتي، بايستي برابر نيازمنديهاي مردم باشد و روشن است كه آن نهاد و سازمان و تشكيلات هنگامي مي‌تواند خود را برابر نيازها و خواستها سازد كه رشدی همگون رشد اجتماعي داشته باشد و لازمه قطعي رشد مديريت است، علامه شهيد مطهري در اين زمينه مي‌نويسد:

«رهبري و مديريت كه موضوع اصلي بحث است، خود مستلزم نوعي از رشد است، زيرا رهبري در حقيقت عبارت است از بسج کردن تيروي انسانها و بهره‌برداري صحيح از آنها گفتيم رشد؛ يعني قدرت و مديريت، وقتي كه انسان مي‌خواهد انسانهاي ديگر را اداره كند؛ يعني وقتي كه موضوع رشد انسانهاي ديگر باشد آن را مديريت و رهبري مي‌ناميم. اين نوع از رشد، در اصطلاح اسلامي «هدايت» و به

تعبير رساتر، امامت ناميده مي‌شود.^۵ «مديريت صحيح، از ضعيف‌ترين ملتهاي دنيا قوي‌ترين ملتها را مي‌سازد، آنچنان كه رسول اكرم كرد و اين معجزه رهبري بود.»^۶

«اگر ما امروز با وجود سازمان بزرگ روحانيت و نيروها و عناصر فراوان حوزوي، باز هم در تنظيم فرهنگ اجتماعي به شكل ايده‌آل قادر نيستيم و در امر قضا و اقتصاد رشدی چشمگير نداشته‌ايم، معلول همين كسيختگيها و نابسامانيها و ناهماهنگيها است كه در بسياري از موارد ممكن است به تعارض و هدر رفتن نيروهاي موجود منتهي گردد.»^۷

فراز بالا اثبات مي‌كند كه مديريت، تأثيري فراوان در رشد دارد و رشد معلول مديريت است، چه آن‌كه رشد صنعتي، اداري، اقتصادي جوامع پيشرفته به وسيله مديريتهاي قوي حاصل شده است:

حوزه‌هاي علميه از رشدی مطلوب برخوردار نبوده‌اند؛ زيرا نشانه رشد اين مجموعه در واقع، پاسخ‌گويي به انتظارات است كه به طور قطع، ما در اين زمينه موفقيتي نداشته‌ايم و نتوانسته‌ايم انتظارات را پاسخ‌گويم، از امكانات موجود استفاده نشده، فرصتها به هدر مي‌رود، نيازمنديها در نظر گرفته نمي‌شود،

مدیریت حوزوی عبارت
است از وجود تشکیلاتی
منسجم با فلسفه و آرمانی
خوش آیند در جهت رشد
نیروهای موجود و تلاشی
پی گیر در جهت اداره
سازمان یافته تشکیلات
حوزه‌های علمیه





حوزه مطرح می‌سازیم:

۱. نبود هماهنگی بین نیازهای اجتماعی و حوزه

نیازهای فکری و معنوی جوانان جامعه ما فراوان و غیردرخور شمارند، در زمینه مسائل اسلامی در ذهن پویا و کاوشگر جوانان، ما ابهامهای فراوانی وجود دارد و به عنوان یک نیاز فوری در جامعه مطرح است که برای این ابهامها و خلجانهای فکری طرحی مناسب را ارائه شده است. به عنوان نمونه، می‌توان گفت که درباره اقتصاد، مالیت، موسیقی، بهره بانکی و... حرفی جامع و عقیده‌ای همگون وجود ندارد که باید بدان اندیشیده شود.

روحانیت آن گروه مهندس اجتماعی مورد اعتماد جامعه است که به علل خاصی در ارائه طرح آینده کوتاهی کرده و لاقبل به طور کامل و به امضا رسیده ارایه نداده است. ۱۰۰

سخن ما این است که اگر مدیریت شایسته‌ای درحوزه‌ها می‌بود، باید از روز نخست پیروزی انقلاب، فکر چنین برنامه و طرحی می‌شد.

براساس آنچه ذکر شد حوزه در سیستم مدیریتی خود نیازمند به تجدید نظر است و باید پیش از فوت وقت، خود را با نیازهای جامعه سازگار سازد وگرنه دیگران به طور تدریجی کارها را به دست خواهند گرفت.

چرخ زمان یک لحظه نمی‌ایستد. پیوسته جهان درحال دگرگونی است و این تغییر که جوهرعالم طبیعت است، چهره زندگی را دگرگون می‌سازد و نیازهای جدیدی را پدید آورده و از چیزهایی بی‌نیاز می‌سازد. مدیر موفق نمی‌تواند درچارچوبه خاصی به کارخود ادامه دهد، مگر این‌که پیوسته از شرایط زمان و دگرگونی‌هایی که درجهان رخ می‌دهد، آگاه باشد بویژه درآنچه که مربوط به کار مدیریت اوست... دراین مورد کافی است سخنی از امام صادق(ع) بشنویم که فرمود:

«العالم بزمانه لاتهم علیه اللوابس» ۱۱
۲. وقت گیریها و استفاده نکردن از فرصتها

مسأله اغتنام فرصت جدی‌ترین مسأله درحیات انسان است و سهمی وافر در رشد و تعالی دارد. استعدادهای نهفته در درون وجود انسان در صورتی به مرحله بروز و

مدیر موفق نمی‌تواند درچارچوبه خاصی به کارخود ادامه دهد، مگر این‌که پیوسته از شرایط زمان و دگرگونی‌هایی که درجهان رخ می‌دهد، آگاه باشد بویژه درآنچه که مربوط به کار مدیریت اوست...

بکوشند تاخود را برای مسائل سیاسی و اقتصادی و قضایی آماده کنند، تا به همت آنها مشکلات رفع شود... هدف باید این باشد که مشکلات زمان را با قوانین و مقررات اسلام حل کنیم. ۹۰

اجمال مطلب آن‌که، اگر حکومت ایده‌آل در سایه اسلامی میسر است و فهم اندیشه اسلامی در خور شأن حوزه‌های علمیه باشد، تبیین ساختارهای حکومت هم به عهده حوزه‌یان و فقیهان خواهد بود.

حکومت نیز اداره جامعه در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی، قضایی، حقوقی و... است که اداره جامعه در ابعاد یاد شده به شکل اسلامی را باید حوزه‌ها مشخص کنند. درحوزه‌ها باید اقتصاد صحیح، فرهنگ صحیح حتی روان‌شناسی صحیح و جامعه‌شناسی صحیح و... وجود داشته باشد و این همان خلا بزرگ درحوزه‌های علمیه است که با وجود یک سیستم مدیریتی توانمند این کاستی جبران خواهد شد.

ناهنجاریها در سیستم

مدیریت کنونی

مدیریت حوزه تاکنون، به این گونه بوده که در هرزمانی مرجعی از مراجع بزرگ در حوزه مطرح می‌شده و هم ایشان عهده‌دار اداره حوزه می‌شده، ولی شکل مدیریت به جرات می‌توان گفت که جنبه سلیقه‌ای داشته، ازاین روی سیستم مدیریت را نابهنجار می‌نامیم که برای اثبات آن چند نکته را به عنوان دلیل ناهنجاریهای اداره

چارچوب مشخصی برای ورود و خروج طلاب وجود ندارد و طلاب مستعد شناسایی نشده‌اند و به همین دلیل، برخی ازحوزه‌ها خارج می‌شوند. برای مدرک تحصیلی فکری نشده، و هزاران مشکل دیگر که نشانه رشد نداشتن حوزه‌هاست، ازاین روی باید بجنبیم و پیش ازآن که دیگران میدان عمل را به دست بگیرند، وضعیت نابسامان حوزه‌ها را سامان دهیم.

۲. پاسخ به نیازهای حکومتی

مسأله درخور توجه دراین خصوص این است که حکومت، زاده انقلاب اسلامی است و در صحنه جهانی مسیری جدید است و تاکنون اسلام به شکل عملی در قالب حاکمیت و حکومت تجلی نکرده و این مرحله نخستین آن است و اگر به درستی عمل نشود، آخرین خواهد بود. که اگر حکومت جمهوری اسلامی بخواهد الگویی عملی را به جهان ارائه کند، باید رهبران این تفکر، یعنی حوزه‌های علمیه از حصارهای تنگ و بسته خارج شوند. لازمه این امر واقع جلوتر واقع شدن نظام از ساختارهای جهانی است که این نکته می‌طلبد که حوزه‌ها در ارائه اسلام راهی جدید را بیمایند.

یکی از مهم‌ترین وظایف حوزه و روحانیت آینده‌نگری و ارائه کردن طرحی برای اداره جامعه و نیز جوامع اسلامی است... که حوزه اگر خود دارای نظام کامل و طرح و برنامه‌ای جامع و فراگیر و منطبق با نیازهای واقعی زمان نباشد، هرگز قادر نخواهد بود که چنین طرحی را برای جامعه عرضه نماید... ویی تردید فقدان چنین طرح و برنامه‌ای منشا نقیصه‌ای بزرگ در رهبری روحانیت بوده است. ۸۰

این مسأله که ولایت فقیه، زیرینا درحکومت اسلامی است، اصلی مسلم است، اما تنها این نکته بسنده نمی‌کند بلکه برای پایدار کردن اصل نظام، برنامه اداره نظام ضرورت حیاتی دارد.

پاسخ‌گویی به این نیازها درحوزه‌های علمیه شکل می‌گیرد.

«اداره مملکتی چون ایران، دراین عصر پرتلاطم و تهاجم اجانب و عمال داخلی و خارجی آنها کار آسانی نیست و نیاز به فرصت و تعاون و همکاری و همفکری دارد و علما و فضلا و جوانان طلبه و دانشجو باید



ظهور و فعلیت می‌رسد که زمینه‌ای مناسب برای رشد و بالندگی آن استعدادها فراهم آید و گوهر گرانبه‌ای وقت رامقتمت شمارد تا در پرتوش قوه‌ها به فعلی رسد، بدون شک درحوزه‌های علمی عمیه استعدادها و توانمندی‌های قابل توجهی وجود ندارد که به دلیل فقدان برنامه و ارائه نشدن طرحی جامع استعدادها به هدر می‌رود. هنوز درحوزه‌ها آن بیداری و هشیاری ضروری دراین جهت فراهم نیامده و فکری دراین زمینه نشده که استعدادها درست در راه و مسیر خود شکوفا شود حوزه‌ها درجهت استعدادیابی و به فعلیت رساندن آنها تلاشی درخور نکرده‌اند و کما فی السابق مسیر را ادامه می‌دهند.

دینیان هر جامعه‌ای بطور اعم و یک موسسه به طور اخص درکرو کیفیت درونی افراد است که در عمل از خود بروز می‌دهند، هر اندازه در درون افراد که زیربنای شخصیت آنها را تشکیل می‌دهد تغییراتی به وجود آید دران صورت تغییرات عملکردی که حالت ظاهری و روینایی دارد به عمل می‌آید بدین جهت در متبیریت اسلامی آموزشها باید در ایجاد تغییرات باطنی و در عمق به وجود آید. (۱۲)

باید مدیریتی قوی اعمال نفوذ کند تا استعدادها را برآورده و درجهت‌های دلخواه و بایسته به کار اندازد، اما متأسفانه وقت طلاب صرف می‌شود و نتیجه بسیار کم عاید می‌گردد.

«علامت دیگر رشد و بی‌رشدیها طرز برخورد با فرصتها است یعنی از فرصت استفاده کردنها و فرصت از دست دادنها است... ما از فرصت‌هایمان استفاده نکردیم» (۱۳)

«آنچه که به رشد و بی‌رشدی مربوط می‌شود، داشتن و نداشتن مغزهای قوی نیست بلکه این است که این نیروهای مغزی صرف چه مسایلی می‌شود، مغز قوی مانند بازوی قوی است داشتن بازوی قوی به خودی خود موالد نیست، فرضاً یک بازوی قوی دائماً خاک شوره زار را زیرورو کند و از نقطه‌ای به نقطه دیگر ببرد چه فایده‌ای دارد گاهی برخی جامعه‌ها و نیروهای مغزی‌شان یعنی شریفترین و عزیزترین سرمایه انسانیشان صرف مسایل بی فایده و یا کم فایده می‌شود یعنی در میان هزاران

مسایل مشکل نظری و عملی که فوریت دارد و سخت مورد نیاز است تنها توجه مغزها با یک سلسله مسایل تکراری است که اگر حل شدنی بوده‌است تا حالا هزاران بار حل شده‌است و اگر هم حل ناشدنی است تا ابد حل نخواهد شد، ولی عادت عرف براین جاری است که نیوغها و استعدادها صرف همان مسایل تکراری شود و محصول قابل توجهی نداشته باشد مثل اینکه مثلاً در میان ما عادت براین جاری است که مقدار بسیار زیادی از نیروها صرف حل شبهه‌ابن قبه و یا شبهه‌ای از این قبیل که هزار بار حل شده‌است بشود و حال آنکه هزارها مساله مهمتر از شبهه ابن‌قبه و فوری‌تر و حیاتی‌تر و مورد نیازتر از شبهه ابن قبه داریم و احدی در فکر آنها نیست، گویی تا دامنه قیامت تنها مشکلی که مرتب دربارهاش باید اندیشید همین مشکل است و چند مشکل دیگر شبیه این مشکل» (۱۵)

با وقت در واقعیت‌های موجود درحوزه می‌توان گفت که ما فرسنگها با آنچه که مسؤولیت‌مان است فاصله داریم که یکی از آن واقعیت‌ها تعطیلات بی‌حد و بی‌اندازه و خارج از قاعده حوزه‌ها است.

۳. غیرتخصصی بودن دروس تاکنون درحوزه‌های علمی سنت رایج این بوده و هست که در تمام احکام دینی و شرعی به یک فرد مراجعه می‌شود و همان فرد به عنوان مرجع کل شناخته شده و می‌شود که با توجه به گستردگی بحثها و مطالب می‌توان این نکته را اذعان نمود که

حال جامع علوم انسانی
با دقت در واقعیت‌های موجود درحوزه می‌توان گفت که ما فرسنگها با آنچه که مسؤولیت‌مان است فاصله داریم که یکی از آن واقعیت‌ها تعطیلات بی‌حد و بی‌اندازه و خارج از قاعده حوزه‌ها است

هیچ ضرورتی ندارد که یک فرد به تنهایی مرجع همه مسایل قرار گیرد، بلکه یک فرد در عنوان علمی و فردی دیگر در عنوانی علمی دیگر تخصص و مهارت پیدا کند یک فرد نوقنون نباشد بلکه یک فرد نوقن باشد. علامه شهید مطهری دراین زمینه می‌گوید:

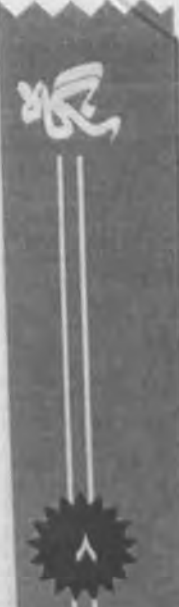
«چه لزومی دارد که مردم در همه مسایل از یک نفر تقلید کنند بهتر است که قسمتهای تخصصی در فقه قرار دهند یعنی هر دسته‌ای بعد از آنکه یک دوره فقه عمومی را دیدند و اطلاع پیدا کردند تخصص خود را در یک قسمت معین قرار دهند و بعضی معاملات و بعضی سیاست و بعضی احکام به اصطلاح فقه همان طوری که در طب این کار شده و رشته‌های تخصصی پیش آمده است.» (۱۶)

درخصوص این بخش نوشتاری جداگانه را ارائه داده‌ایم.

۴. نابسامانیها و مشکلات حوزه‌ها در بعد اقتصادی
حوزه‌ها در بعد اقتصادی نابسامانیهای فراوان دارند که می‌توان گفت واقعاً وضعی تأسف‌بار است امر اعاشه حیات را نمی‌توان ساده گرفت که اگر مختل باشد، فکر و اندیشه را نیز مختل می‌سازد شهید مطهری می‌نویسد:

«یک نفر روحانی را فرض کنید که با چند سر عائله پس از چند سال تحصیل در یکی از شهرستانها رحل اقامت افکنده و مسجد و محرابی را اشغال کرده‌است، این فرد از آن نظر که متدین است در حدود امکانات خود فعالیت‌هایی می‌کند، مساله می‌گوید، موعظه می‌کند، اخلاق و تفسیر و تاریخ اسلام می‌گوید و از آن نظر که یک بشر است و خرج دارد و از مراکز روحانیت زندگیش تأمین نمی‌شود و در حال حاضر راه زندگیش منحصرأ به این است که از دست مردم مستقیماً ارتزاق کند» (۱۷)

در همین خصوص باید اضافه کنیم که شهید مطهری اعلی الله درجهت این نکات را قبل از انقلاب فرموده‌اند ولی مع الاسف بعد از انقلاب اسلامی مردم به خطا می‌پندارند که روحانیون از ناحیه حکومت اداره می‌شوند و حال آنکه خیر ندارند که هیچ‌کاری دراین زمینه صورت نگرفته، بلکه وضع حوزه‌ها از نظر معیشت اقتصادی به





سایر تشکیلات، هرکسی بدون مانع و رادع می‌تواند از لباس مخصوص آن استفاده کند که موجب آبروریزی می‌گردند. (۲۰)

نکته دیگر مساله تبلیغ است که آنهم اسفبار است. این امر مهم به صورت شفلی مطرح است و نه انجام يك رسالت سترگ الهی و برای آن هیچگونه برنامه‌ریزی صورت نگرفته که قطعاً درکار مدیریت صالح باید صالحان به تبلیغ بروند و پیام رسان اسلام باشند، رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

«نکته هشتم این است که باید به امر تبلیغ درحوزه به صورت جدی توجه بشود یعنی برای تبلیغ برنامه‌ریزی شود... اگر چنانچه خدای نکرده طلبه‌ای دريك گوشه‌ای تبلیغی بکند که این تبلیغ مفید نباشد کسی نیست که جلوی او را بگیرد یا ضایعه‌اش را جبران کند چون قبلاً برنامه‌ریزی نشده است.» (۲۱)

مضاف براینها مشکلات فراوان دیگری از قبیل متون درسی - مدرک - اعتبار علمی و... نابسامانیهای مدیریت فعلی شمرده می‌شود.

نتایج این ناهنجاریها

نتایج و پیامدهای سوئی این وضعیت به بار نشانده که اگر تحولی درحوزه صورت نگیرد، قطعاً حوزه‌های علمی محکوم به شکست قطعی خواهند بود.

کسانی بوده‌اند که حوزه را از نخست آگاهانه انتخاب کرده‌اند و باشور و شوقی زایدالوصفی وارد شده‌اند، ولی وقتی می‌بینند آرمانها وخواست‌هایشان دراین سیستم نامنظم برآورده نمی‌شود دلسرد می‌شوند که اولین پیامد همین دلسردی است. پیامد دیگر جذب نیروهای مستعد جهت گذراندن و اداره زندگیشان به ادارات نولتی است و چندین پیامد سوء دیگر.

ادامه دارد

نکته یازدهم که حوزه‌ها باید توجه بکنند این است که در ارتباط با مسایل رفاهی طلاب از روشهای جدید استفاده شود بخصوص برای آن طلابی که درآمدی جز شهریه ندارند کارهایی مثل خانه سازمانی، بن، بیمه و از این قبیل تسهیلات برای طلاب باید انجام بگیرد تا طلاب قدری فکرشان برای مطالعه آرام باشد

باشد تا فرصت اندیشیدن و مطالعه و تحقیق را بیابد که مع الاسف وضعیت دردآوری بر زندگی روحانیون سایه افکنده امروز بوجه اداره روحانیت منحصر شده به سهمین و یا سهم مبارک امام علیه السلام که بسیار این مساله دردآور است افرادی همچون شیخ انصاری اعلی الله مقامه به سهم امام از دید اینکه سهم امام چرك لباس است نگاه می‌کرده‌اند مرحوم شهید مطهری دراین زمینه می‌گوید:

«در محیط مقدس روحانیت زعمانی مانند مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری پیداشده‌اند به قول خود او به وجوهات به آن چشم نگاه می‌کرده‌اند که به آب چرك طشت لباس شویی.» (۱۹)

۵. مساله لباس و تبلیغ

نابسامانی دیگر درحوزه، مساله پوشیدن لباس است اولاً هرکسی حق دارد این لباس را بپوشد، روضه‌خوانهای حرم و مشاهد شریفه، مفلوکها و وامانده‌ها از هرکاری و پوشیدن لباس جهت تکدی، نالایقان در لباس روحانیت به هر عنوانی، اینها همه موجب شده که برداشتهای عوام از روحانیون یکسان باشد و پاسواد و بی‌سواد و خادم و خائن و تکدی‌کنندگان و غیر آنها همه را به يك چشم نگاه کنند.

یکی از نواقص دستگاه روحانیت آزادی بی‌حد و حصر لباس روحانیت است... در تشکیلات روحانی، برخلاف

با پنج شش و یا هفت سرعت با مبلغ هفت هزار تومان مجبور است درماه زندگی کند که مضافاً براین نکته از امکانات رفاهی، بیمه، دفترچه خواروبار هم محرومند، این وضع اسفبار موجب شده که شاهد خروج نیروهای بسیاری ازحوزه ویا جذب اجباری اندکی از آنها به ادارات نولتی هستیم که هر دوی برای اسلام ضایعه است چه بسا نیروهای مستعدی که می‌توانستند به درجات علمی بالایی برسند درکارهای اداری متوقف شدند و اگر وضعیت به همین منوال بگذرد آینده خطرناکی حوزه‌های علمی را تهدید می‌کند.

البته نقطه امیدی را در نگرش بالای رهبری مشاهده می‌کنیم که می‌توان به آینده امیدوار بود ایشان می‌فرمایند:

«نکته یازدهم که حوزه‌ها باید توجه بکنند این است که در ارتباط با مسایل رفاهی طلاب از روشهای جدید استفاده شود بخصوص برای آن طلابی که درآمدی جز شهریه ندارند کارهایی مثل خانه سازمانی، بن، بیمه و از این قبیل تسهیلات برای طلاب باید انجام بگیرد تا طلاب قدری فکرشان برای مطالعه آرام باشد.» (۱۸)

در اینجا لازم است یادآور شویم که فکر غلطی رواج دارد که طلبه باید در فقر و محرومیت زندگی کند که قطعاً این منطق بسیار پوسیده و از روی نادانی است، طلبه باید وضع مناسبی داشته